



جهت گیری های دینی و سلامت روان شناختی

نویسندگان: فرامرز قراملکی، احد؛ قربانی، نیما
فلسفه و کلام :: نامه علم و دین :: پاییز و زمستان 1378 - شماره 5 و 6
از 1 تا 16
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/369247>

دانلود شده توسط : فاطمه ربیعی
تاریخ دانلود : 1393/07/28 09:25:47

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

جهت‌گیری‌های دینی و سلامت روان‌شناختی

احد فرامرز قوام‌ملکی
نیما قربانی

۱. طرح مسئله و روش تحقیق

تأثیر دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان از مسائلی چندبعدی و چندتباری^۱ است که تحقیق آن محتاج مطالعه‌ی میان‌رشته‌یی^(۱) است. این مسئله را به دو صورت می‌توان طرح کرد: تحلیل دینی و تحلیل برون‌دینی. تحلیل دینی، جستجو در آثار و نقش دین در متون دینی است. نوعی اعتقاد به رستگاری و آنچه نجات‌شناسی^۲ خوانده می‌شود، در همه‌ی ادیان بزرگ وجود دارد (هیگ ۱۸). ادیان رسالت‌خوادران نجات بشر از وضعیت بحرانی به وضعیت آرمانی و مطلوب می‌دانند. بنابر این، نقش ادیان از منظر دینی نجات بشر است و تأثیر دینداری با مقیاس بهره‌مندی فرد از رهایی و نجات و ابعاد مختلف زندگی سنجیده می‌شود. متون دینی تأثیر فراوانی را در زندگی فردی و بشری برای دین برشمرده‌اند. بدانند که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد (قرآن ۲۸/۱۳) و هر کس از یاد من دل بگرداند، زندگی او تنگ خواهد بود (قرآن ۱۲۴/۲۰). حق این است که هر کس روی دل به سوی خدا نهد و نیکوکار باشد، پاداشش نزد پروردگارش است و نه بیمی بر او است و نه اندوهگین می‌شود (قرآن ۱۱۲/۲).

تحلیل دیگر، روی آورد برون‌دینی است؛ که با مطالعه‌ی وضعیت و زندگی فردی،

1. multiple origins

2. soteriology

اجتماعی و تاریخی دینداران به بحث تأثیر دینداری می‌پردازد. این روی آورد از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم بسیار رواج پیدا کرد و مورد علاقه‌ی مورخان ادیان و جامعه‌شناسان دین قرار گرفت. عوامل فراوانی در اوج‌گیری این روی آورد مؤثر بوده است. کسانی مانند جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳)، منشأ چنین بحث‌هایی را در تزلزل مبانی حقایق تعالیم دین می‌دانند:

مادام که انسان‌ها تعالیم دینشان را به‌عنوان واقعیت مثبت و مسلم پذیرفته‌اند، در این صورت متصور نیست که درباره‌ی فایده‌ی اعتقاد به آن، پرس‌وجو کنند. (جان استوارت میل ۱۸۷۳: ص ۶۹)

یکی از مهم‌ترین علت‌های رواج بحث از سودمندی دین و تأثیر دینداری، به ظهور آنچه پیام آور سکولاریسم می‌خوانیم، برمی‌گردد. از زمانی که برخی انسان‌ها مدعی پیام نجات بشر شده‌اند، اما برخلاف انبیا و متنبیان (مدعیان دروغین نبوت) رسالت خود را این جهانی خواندند، میان پیامبران آسمانی و پیام‌آوران این جهانی رقابتی رخ داد که از حیث کلامی رویدادی نوین و مهم است. به همین دلیل، اغلب کسانی که در آغاز طرح این مبحث بر نقش بازدارنده و تخریبی دینداری تأکید کرده‌اند پیام‌آوران سکولاریسم‌اند، کسانی مانند آگوست کنت، مارکس، فروید و ... متألهان ابتدا از موضع دفاعی به تبع آنها به تحلیل و نقد پرداختند؛ و به این ترتیب، مسئله‌ی تأثیر دینداری در زندگی آدمی شکل گرفت.

مسئله‌ی تأثیر دین در زندگی فردی و اجتماعی ابعاد مختلفی دارد. یکی از اضلاع آن بررسی تأثیر روان‌شناختی دین است. در این حیطه سه مسئله‌ی عمده وجود دارد:

۱. آثار دینداری در شخصیت. (۲)
۲. نقش دین در مداخلات درمانی. (۳)
۳. آثار دین در رفتار اجتماعی.

۲. نظریه‌های عام روان‌شناختی

مسئله‌ی تأثیر دین در انسان با هر روی آوردی که مطالعه شود، با مسائل عمده‌ی دیگری ارتباط دارد. به گونه‌یی که بدون توجه به آن مسائل، شناختنی نیست. یکی از این مسائل،

وجه حاجت و علل اقبال بشر به دین است. بسیاری از دانشمندان این دو سؤال را در ارتباط با هم پاسخ داده‌اند. مثلاً مالدینوفسکی، دلیل نیازمندی به دین را ترس از مرگ می‌داند؛ تأثیر روان‌شناختی دین در زندگی فردی و جمعی را نیز رفع ترس از مرگ یا تقلیل این ترس می‌داند. دانشمندی که نیازهای وجودی آدمی را علت گرایش به دین می‌داند نقش دین را نیز در شنواساختن انسان و توانا کردن و برای مواجهه با نیازهای وجودی می‌یابد و کسانی که تعارض‌های پاتولوژیک را به‌عنوان نیاز متغیر نابهنجار سبب نیازمندی و اقبال فرد به دین می‌دانند بر نقش دین در کاهش رنج پاتولوژیک تأکید می‌کنند.

چنین جستارهایی غالباً جهت‌گیری دارند و بنابر این روش خلل دارد و در نتیجه بر خطای تحویل‌انگاری^۱ مبتنی است. تحلیل فرویدی از نقش و تأثیر دینداری که بر نظریه‌ی عقده‌ی اودیپ وی استوار است نمونه‌ی از این تحویل‌انگاری است. مسئله‌ی دیگری که با تأثیر روان‌شناختی دین در زندگی آدمی همبستگی دارد جهت‌گیری دینی و ریخت‌های دینداری است. دینداری هم در مقیاس جمعی و تاریخی و هم در مقیاس فردی ریخت‌های متنوعی دارد. برحسب تنوع و گوناگونی در ریخت دینداری، نقش و تأثیر آن نیز متنوع می‌شود. ملاک تمایز ریخت‌های دینداری چیست؟ آیا ریخت‌های دینداری غیر قابل تحویل به یکدیگر اند یا در تحول روان‌شناختی (مثلاً) یکی به دیگری تبدیل می‌شود؟ بسیاری از روان‌شناسان دین مسئله‌ی تأثیر روان‌شناختی دین را برحسب تمایز ریخت‌های دینداری پاسخ داده‌اند. این تمایز و بستگی مسئله‌ی تأثیر دین با تنوع دینداری در متون دینی نیز مشاهده می‌شود. تأثیر دینداری خالصانه بدون تردید با دینداری غیرخالصانه تفاوت دارد. تمایز السابقون با اصحاب الیمین در سوره‌ی قیامت آمده است و به تقسیم‌بندی عبادت خدا از حیث جهت‌گیری دینی بر سه قسم عبادت بردگان، عبادت تجار و عبادت آزادگان (احرار) در ادبیات روایی توجه شده است.^(۴)

مسئله‌ی تأثیر دین در زندگی آدمی نزد روان‌شناسان، مانند سایر مسائل روان‌شناسی دین، دو مرحله‌ی کاملاً متمایز دارد: مرحله‌ی نخست که از آغاز سده‌ی حاضر شروع می‌شود و به جنگ جهانی اول پایان می‌یابد، دوره‌ی نظریه‌های عام ماکروتئوری‌ها است. مرحله‌ی دوم، که پس از دوره‌ی فترت از سه دهه‌ی اخیر آغاز شده است، دوره‌ی

1. reductionism

پژوهش تجربی با استفاده از ابزار رایج در روان‌شناسی علمی^(۵) است. خصلت ابطال‌پذیری تجربی و عدم آن مهم‌ترین تمایز بین دیدگاه‌های دوره‌ی دوم و دوره‌ی نخست است. نظریه‌پردازان این دوره غالباً براساس نظریه‌ی عام خویش در باب شخصیت، به تبیین جایگاه دین، ریخت‌های دینداری و آثار روان‌شناختی دینداری پرداخته‌اند. مهم‌ترین ماکروتئوریست‌ها در این دوره عبارت‌اند از: ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰)، زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹)، کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱)، آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷) و ویکتور امیل فرانکل (۱۹۰۵-۱۹۹۷).

ویلیام جیمز سرآغاز روی‌آورد کنش‌گرایی^۱ در روان‌شناسی علمی و از سخنگویان پراگماتیسم در تفکر فلسفی است.

به همین دلیل بحث از تأثیر روان‌شناختی دین نسبت به سایر مسائل روان‌شناسی دین برای وی اهمیت محوری دارد. ویلیام جیمز اولاً با طرح تمایز بین انگیزه و پیامدهای دینداری به دفاع از انتقادهای پیام‌آوران سکولاریسم علیه دینداری پرداخت و این فرضیه را به میان آورد که انگیزه‌های پاتولوژیک لزوماً پیامدهای آسیب‌شناختی ندارد. بنابراین، به فرض اینکه علل گرایش به دین جنبه‌ی پاتولوژیک داشته باشد، از این فرض نمی‌توان چنین استنتاج کرد که گرایش به دین هویت مرضی دارد.

جیمز در بیان آثار دینداری دو نوع دینداری را تمایز داد: دینداری با گرایش سالم^۲ و دینداری روح‌های ناخوش^۳. دینداری نخست ایمان اجتماعی برون‌گرا، خوش‌بینانه، شاد، نگاه به همه چیز و گرایش به خوب‌دیدن آنها است (ویلیام جیمز ۱۳۷۲: ص ۷۸) و دینداری دوم ایمان درون‌گرا، بدبینانه، رنج‌آلود و غمناک، ایمانی که در آن فرد تجربه‌ی شرّ را امری قطعی می‌داند (ویلیام جیمز ۱۳۷۲: ص ۳۶).

جیمز در فصلی با عنوان ارزش زندگی مذهبی، به استقصای آثار زندگی دیندارانه پرداخته است. زندگی دینی سه باور را در انسان به وجود می‌آورد:

۱. دنیای محسوس، بخشی از جهان غیب است و ارزش و معنای خود را از عالم غیب دریافت می‌کند.

۲. وحدت با این عالم و برقراری ارتباط مقرون به هماهنگی با آن، هدف نهایی ما است.

1. functionalism

2. healthy-mindedness

3. sick souls

۳. دعا و نماز یا اتصال با روح عالم خلقت (خدا) کاری است با اثر و نتیجه. نتیجه‌ی عبادت ایجاد جریان قدرت و نیرویی است که به طور محسوس آثار مادی و معنوی دارد. زندگی دینی که بر چنین باورهایی استوار است از نظر علمی دو خصیصه دارد:

۱. زندگی سرشار از نشاط شاعرانه و سرور و بهجت، دلیرانه می‌شود.

۲. اطمینان و آرامش باطنی در فرد ایجاد می‌شود که آثار ظاهری آن نیکویی و احسان بی‌دریغ است (ویلیام جیمز ۱۳۷۲: صص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ گزارش و نقد آرای جیمز به هود، ۱۹۹۶: صص ۲۶۸-۵۱۷).

زیگموند فروید مؤسس روان‌تحلیل‌گری و از پیام‌آوران سکولاریسم معارض‌ترین موضع را به دینداری و تأثیر آن اخذ کرده است. وی در آینده‌ی یک پندار (۱۹۲۷) پس از بحث از خاستگاه دینداری، ارزش عقاید دینی و نقش آنها را برمبنای دیدگاهش درخصوص بحث نخست ارائه می‌دهد. ارزیابی وی از دینداری این است که دین امر خطرناکی است و خطرناکی دین حداقل سه وجه دارد:

الف - دین به گمان وی به تقدس نهادهای شوم انسانی که در طول تاریخ خویش خود را با آن همداستان نموده کمک کرده است.

ب - نهاد دین با معتقدساختن مردم به یک وهم و منع تفکر انتقادی، مسئولیت فقرزدگی فکری بشر را نیز به عهده گرفته است. *پیر علوم فردی*

ج - دین اختلاف را بر پایه‌های سخت متزلزلی قرار می‌دهد (برای تفصیل گزارش و نقد دیدگاه فروید به فرامرز قراملکی ۱۳۷۶: صص ۱۳۲-۱۴۶ و نیز هود ۱۹۹۶: صص ۲۵۷-۳۱۵ رجوع شود).

کارل گوستاو یونگ، مؤسس روان‌شناسی تحلیلی، در تحلیل آثار روان‌شناختی دین از سرنا کامی تبیین فروید به‌خوبی آگاه است. وی با نظریه‌ی ناهوشیار جمعی، خاستگاه گرایش‌های دینی را بنیادی‌تر از آنچه فروید تصور می‌کرد نشان داد؛ وی معتقد بود تجارب دینی نقش به‌سزایی در ایجاد وحدت در هویت متضاد شخصیت آدمی دارد.

آلفرد آدلر، مؤسس روان‌شناسی فردی، اساس روان‌شناسی دین را بر مفهوم علاقه‌ی اجتماعی در هسته‌ی نظریه‌ی خود قرار داد و نقش دین را به عنوان ابزاری برای تسهیل تحول علاقه‌ی اجتماعی مثبت ارزیابی کرد.

ویکتور امیل فرانکل از پیشگامان تحلیل اگزیستانسیالیستی در دین‌شناسی نیز تأثیر دینداری را بر اساس مفهوم معنادرمانی خود تبیین می‌کند.

۳. بررسی‌های تجربی

بررسی تجربی انگیزه‌های روی آوردن به دین را اولین بار در روان‌شناسی دینی گوردون آلپورت^۱ مطالعه کرد. هدف آلپورت از چنین مطالعاتی، فراهم کردن ابزاری برای تمایز بین دینداری بالغانه و نابالغانه در چارچوب روش‌شناسی تجربی بود. در راستای چنین هدفی، آلپورت و راس (۱۹۶۷) مقیاس جهت‌گیری دینی را ابداع کردند. این مقیاس از دو بعد دینداری درونی و دینداری بیرونی تشکیل شده است که هر یک انگیزه‌ی خاصی برای روی آوردن به دین را مطرح می‌کند. مقیاس دینداری بیرونی با هدف ارزیابی دینداری نابالغانه براساس دیدگاه آلپورت طراحی شد. افراد با جهت‌گیری بیرونی دارای باورهای دینی‌یی هستند که صرفاً اهدافی سودجویانه و ابزاری دارد. در چارچوب چنین انگیزه‌یی، دین ابزاری برای ارضای نیازهای فرد خواهد بود و به تعبیری دقیق‌تر در این جهت‌گیری فرد دیندار به خدا توجه می‌کند، بدون آنکه خود را فراموش کند (واتسون و قربانی ۱۳۷۷).

مقیاس دینداری درونی ایمان بالغانه را ارزیابی می‌کند. در این جهت‌گیری دین‌کنش‌وری خودمختاری می‌یابد و انگیزه‌ی برتر فرد می‌شود. نیازهای غیردینی در چنین اشخاصی هر قدر هم که مهم باشند، اهمیت غایی کم‌تری می‌یابد. از این رو دیندار درونی سعی می‌کند تا آنجا که ممکن است این نیازها را با باورها و اعمال دینی خود هماهنگ سازد؛ افراد با انگیزه‌ی دینداری درونی از دینشان استفاده نمی‌کنند، بلکه با آن زندگی می‌کنند (واتسون و قربانی ۱۳۷۷).

این مقیاس خط پژوهشی گسترده‌یی را در روان‌شناسی غرب به وجود آورد و مطالعات متعددی براساس این مقیاس و مفهوم‌سازی آن صورت گرفت. در این مطالعات دیدگاه آلپورت درباره‌ی انگیزه‌ی روی آوردن به دین به طور نسبتاً کلی تأیید شده است (از جمله به بتسون و همکاران ۱۹۹۳؛ دونایی ۱۹۸۵؛ واتسون ۱۹۹۳؛ قربانی ۱۳۷۷؛ واتسون و قربانی ۱۳۷۷؛ گرسج ۱۹۸۹ رجوع کنید). بنابر مطالعات انجام‌شده، انگیزه‌ی بیرونی به دین با اضطراب (کوچنین و همکاران ۱۹۸۷)، قدرت‌طلبی (کائو ۱۹۷۴)، افسردگی (جینا و شا ۱۹۹۱)، و

باورهای غیرعقلانی (واتسون و همکاران ۱۹۹۴)، مربوط است. از طرف دیگر، انگیزه‌ی درونی به‌سوی دین با سازه‌های مثبت و سازش‌یافته‌ی شخصیتی مانند پیچیدگی اسنادی^(۶) (واتسون و همکاران ۱۹۹۰)، خودمختاری (واتسون و همکاران ۱۹۹۳)، تفکر سازنده^(۷) (واتسون و همکاران، زیر چاپ)، مسند کنترل درونی (جاکسون و کورسی ۱۹۸۸)، مسئولیت‌پذیری (کائو ۱۹۷۴)، خوداثربخشی^(۸) (واتسون و همکاران ۱۹۸۸)، و مردم‌آمیزی (برگین و همکاران ۱۹۸۷) بستگی دارد.

مفهوم‌سازی و مقیاس آلپورت به‌طور عمده درخصوص جمعیت‌های مسیحی سفیدپوست به‌کار گرفته شده است و تلاش‌های اندک و نه‌چندان موفقی برای استفاده از آن در جمعیت‌های مسلمان به‌کار رفته است. تورسن، پاول و عبدالخالد و بشایی (۱۹۹۷)، نسخه‌ی هوگ مقیاس دینداری درونی را به‌عربی ترجمه کردند. سپس دانشجویان دانشگاه کویت به‌مقیاس عربی دینداری درونی پاسخ دادند؛ و دانشجویان امریکایی نسخه‌ی انگلیسی آن را دریافت کردند. در این بررسی تعدادی از مواد مقیاس دینداری درونی برخلاف ماهیت واقعی‌شان، به‌عنوان موادی که نشان‌دهنده‌ی فقدان دینداری درونی‌اند معرفی شدند؛ آزمون‌شدگان می‌بایستی موافقت و یا مخالفت خود را با این مواد بیان می‌کردند. عدم موافقت با چنین گزاره‌هایی را به‌عنوان پاسخ‌های دینداری درونی در نظر می‌گرفتند.

ترجمه‌های عربی این مواد بر نامناسب بودن آنها صحه گذاشت. بنابراین، این مواد برای نسخه‌ی عربی مقیاس دینداری درونی قابل استفاده نبودند. به‌علاوه نسخه‌ی عربی این مقیاس به‌استانداردهای آماری و روان‌سنجی لازم یک مقیاس نیز نرسید؛ نمره‌های آن نیز در گزاره‌های دانشجویان کویتی پراش^(۹) کم‌تری را نشان داد. تورسن و همکارانش چنین نتیجه گرفتند که شاید آزمون‌شدگان مسلمان پرسشنامه را به‌صورتی متفاوت با آزمون‌شدگان غربی درک می‌کنند. روی هم‌رفته این مطالعه نشان داد که نمره‌های دانشجویان کویتی به‌طور معناداری در مقیاس دینداری درونی، بالاتر از نمره‌های دانشجویان امریکایی است. این نتیجه از آن جهت که احتمالاً فرهنگی بیش‌تر کثرت‌گرایانه و کم‌تر دینی داشت، پیش‌بینی می‌شد.

در تحقیق دیگری، وایلد و جوزف (۱۹۹۷) به منظور ساخت مقیاس «بازخورد مسلمانان به دین» با دانشجویان مسلمان دانشگاه انگلستان کار کردند. این مقیاس از چهارده ماده تشکیل شده بود. این مقیاس موفقیت استانداردهای آماری لازم را کسب کرد و به اعتبار درونی خوبی نیز دست یافت.

نمره‌های میانگین با حداکثر نمره‌ی ممکن در این مقیاس فاصله‌ی چندانی نداشت؛ اما به هر حال مقدار پراش لازم در پاسخ‌ها چشمگیر بود. نمره‌های بالا در این مقیاس سطوح پایین‌تری از روان‌گسسته‌خویی را پیش‌بینی می‌کرد. روان‌گسسته‌خویی یکی از ابعاد شخصیتی است که بر اساس رفتار تکانشی ضد اجتماعی و پرخاش‌گرانه مشخص می‌شود. بنابراین، این نتایج بر ارتباط ایمان مسلمانان و کنش‌وری روان‌شناختی سالم تأکید می‌کند. به علاوه مقیاس بازخورد مسلمانان با مقیاس جامعه‌پسندی^(۱۰) نیز بستگی مثبت دارد؛ ولی تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد عامل جامعه‌پسندی به طور کامل ارتباط باورهای مسلمانان و روان‌گسسته‌خویی پایین را تبیین نمی‌کند.

۴. اولین بررسی تجربی نظام‌مدار در ایران

مقیاس جهت‌گیری دینی آلپورت تا به حال در جامعه‌ی ایران هیچ‌گاه در راستای بررسی نظام‌مدار تجربی در چارچوب روان‌شناسی دینی بررسی نشده است. بر این اساس، یکی از مسائل عمده‌ی پژوهش تجربی حاضر استفاده از مقیاس جهت‌گیری دینی در جامعه‌ی مسلمان ایران است. مطالعات مفهومی در متون دینی عرفانی مسلمانان نشان می‌دهد مفهوم‌سازی‌هایی مشابه دینداری درونی و بیرونی نیز در دنیای اسلام مطرح شده است (به نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۷، ص ۴۰۰؛ منوی؛ دفتر اول، ابیات ۲۷۸۵-۲۷۸۸؛ واتسون و قربانی ۱۳۷۷ رجوع شود). بر همین اساس این فرضیه را می‌توان طرح کرد که دینداری درونی و بیرونی، پیامدهای روان‌شناختی مشابهی در جامعه‌ی ما، در مقایسه با مطالعات غربی، نشان خواهد داد.

به علاوه مقیاس جدید «بازخورد مسلمانان به دین» تنها به زبان انگلیسی روی مسلمانان بررسی شده است. از این رو، مسئله‌ی دیگر پژوهش حاضر این است که آیا

این مقیاس در زبان فارسی نیز به یافته‌های مشابهی دست می‌یابد یا خیر. همچنین، ارتباط بین دینداری درونی با مقیاس بازخورد مسلمانان به دین تا به حال بررسی نشده است. در پژوهش حاضر پیش‌بینی می‌شود این دو مفهوم‌سازی در جامعه‌ی مسلمانان ارتباط مثبتی را نشان دهند.

۴.۱. روش

الف - مقیاس‌ها

ابتدا هر دو مقیاس جهت‌گیری دینی و بازخورد مسلمانان به دین به فارسی ترجمه شدند و برای تعیین روایی محتوایی نسخه‌ی فارسی آنها هر دو مقیاس ترجمه‌شده را شخصی ثالث مجدداً به انگلیسی ترجمه کرد و از طریق روایی محتوایی نسخه‌های فارسی هر دو مقیاس تأیید شد. چنین عملی درباره‌ی فهرست نشانه‌های هاپکینز در مجموعه‌ی مقالات در گیتیس (۱۹۷۴) که برای سنجش سلامت روان‌شناختی در این پژوهش به کار رفت صورت گرفت؛ و روایی محتوایی آن نیز تأیید شد. مبنای اخیر نیز برای اولین بار در زبان فارسی در راستای بررسی ارتباط دینداری و سلامت روان‌شناختی به کار رفت. این مقیاس از زیرمجموعه‌های حساسیت بین شخصی^(۱۱)، اضطراب، نشانه‌های حالات افسردگی^(۱۲)، وسواس - اجباری، و بدنی‌سازی^(۱۳) تشکیل شده است. مقیاس جهت‌گیری دینی از نوزده ماده، بازخورد مسلمانان به دین چهارده ماده و فهرست نشانه‌های هاپکینز از پنجاه ماده تشکیل شده است.

ب - آزمون‌شدگان

مقیاس‌های حاضر در کتابچه‌ی که در آن به ترتیب فهرست نشانه‌های هاپکینز، جهت‌گیری دینی و بازخورد مسلمانان به دین گنجانده شده بود، روی سیصد دانشجوی کارشناسی دانشگاه تهران اجرا شد. در ابتدای این کتابچه اطلاعات جمعیت‌شناختی دانشجویان نیز اخذ شدند. از میان آنها تعداد ۲۰۲ پاسخنامه به طور کامل تکمیل شده بودند که به عنوان آزمون‌شدگان نهایی تحقیق تعیین شدند. مشخصات جمعیت‌شناختی این نمونه به این شرح است: میانگین سنی نمونه ۲۳/۰۱ و انحراف معیار آن ۴/۶۱

است؛ ۴۳/۶ درصد افراد نمونه مذکر و ۵۶/۴ درصد مؤنث‌اند؛ ۷۳/۳ از افراد نمونه مجرد و ۲۲/۷ درصد متأهل‌اند.

۴.۲. نتایج

نتایج به دست آمده از آلفای مقیاس‌های به کار گرفته شده برای تعیین اعتبار مقیاس‌ها نشان می‌دهد که نسخه‌ی فارسی هر سه مقیاس از همسازی درونی و اعتبار بالایی برخوردار است.^(۱۴) این یافته صحت ترجمه را نیز از راه دیگری مجدداً تأیید می‌کند، و نشان می‌دهد که هر سه مقیاس براساس معیارهای روان‌سنجی پراش مناسبی را در میان پاسخ‌دهندگان ایجاد کرده و از اعتبار کافی برخوردار است. اعتبار آماری مقیاس‌ها در جدول زیر منعکس شده است.

جدول اعتبار مقیاس‌ها

مقیاس فهرست نشانه‌های هاپکینز	جهت‌گیری دینی
بدنی‌سازی: ۰/۸۹	دینداری درونی ۰/۶۷
اضطراب ۰/۸۱	دینداری بیرونی ۰/۶۶
افسردگی ۰/۸۶	دینداری بیرونی، فردی ۰/۶۵
حساسیت بین شخصی ۰/۸۲	دینداری بیرونی، اجتماعی ۰/۶۸
بازخورد مسلمانان به دین ۰/۹۳	دینداری بیرونی، باقیمانده ۰/۶۴

نتایج به دست آمده درباره‌ی ارتباط مقیاس‌های تحقیق که در جدول همبستگی صفحه‌ی بعد منعکس است نشان می‌دهد تمامی مؤلفه‌های مقیاس فهرست نشانه‌های هاپکینز با یکدیگر بستگی دارند. دینداری درونی با دو مؤلفه‌ی افسردگی و حساسیت بین شخصی ارتباط معکوس دارد و دینداری بیرونی با مؤلفه‌های اضطراب، افسردگی، وسواس - اجباری و حساسیت بین شخصی ارتباطی مثبت دارد. در عین حال بین مقیاس دینداری درونی و بیرونی ارتباطی کشف نشده است. مقیاس بازخورد مسلمانان در حالی که ارتباط مثبت بسیار بالایی با دینداری درونی و ارتباط مثبت نسبتاً بالایی با مقیاس دینداری بیرونی دارد با هیچ‌یک از مؤلفه‌های فهرست نشانه‌ها ارتباط ندارد.

همبستگی متغیرهای فهرست نشانه‌های هایپکینز.

جهت‌گیری دینی و بازخورد مسلمانان به دین

(همبستگی بالای ۰/۱۴ در سطح ۰/۰۵ و بالای ۰/۱۸ در سطح ۰/۰۱ معنادار است)

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							*	۱. اضطراب
						۰/۷۰	*	۲. افسردگی
					۰/۷۲	۰/۶۷	*	۳. وسواس-اجباری
				۰/۷۲	۰/۸۱	۰/۶۹	*	۴. حساسیت بین شخصی
			۰/۶۲	۰/۶۴	۰/۶۸	۰/۷۵	*	۵. بدنی‌سازی
			-۰/۱۲	-۰/۱۴	-۰/۰۹	-۰/۱۵	-۰/۱	۶. دینداری درونی
			۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۳۰	۷. دینداری بیرونی
			۰/۳۰	۰/۶۶	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۵	۸. بازخورد مسلمانان به دین

۴.۳. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد دینداری با انگیزه‌ی درونی با افزایش سلامت روان‌شناختی و دینداری با انگیزه‌ی بیرونی با اختلالات روان‌شناختی مربوط است. بر این اساس می‌توان گفت روی آوردن به دین به منظور کسب امری غیردینی معمولاً با مشکلات روان‌شناختی همراه است. پس دینداری بیرونی یا مسبوق به مشکلات روان‌شناختی است یا منجر به نشانه‌های آسیب‌شناختی می‌شود. درمقابل کنش‌وری خودمختار دین در چارچوب سازمان روان‌شناختی و روی آوردن غیر ابزاری - اصالی به دین پیامدهای روان‌شناختی مثبتی دارد. چنین یافته‌هایی با مطالعات انجام شده در غرب همسو است.

نکته‌ی شایان توجه در ارتباط دینداری درونی و بیرونی این است که اگرچه ارتباطی بین این دو نسخه‌ی دینداری در این پژوهش به دست نیامده، اما بستگی آنها نزدیک به یک ارتباط مثبت معنادار است (۰/۱۳). یافته‌های به دست آمده در غرب بیش‌تر بر ارتباط معکوس بین دینداری درونی و بیرونی صحه گذاشته‌اند (به واتسون و همکاران ۱۹۸۴؛ ۱۹۸۷ و رجوع شود). بر این اساس با توجه به نتیجه‌ی به دست آمده در ارتباط

دینداری درونی و بیرونی در پژوهش حاضر چگونگی این ارتباط در جامعه‌ی ما نیازمند بررسی‌های بیش‌تر است.

نوع ارتباط دینداری درونی و بیرونی با آسیب‌های روان‌شناختی، امکان طرح فرضیه‌ی تحولی را درباره‌ی دینداری درونی فراهم می‌سازد. اگرچه آلپورت هیچ‌گاه باصراحت درباره‌ی فرایند تحول دینداری درونی سخن نگفته است و پژوهش نظامداری نیز در این زمینه صورت نگرفته است اما از نظر مفهومی نگاه به دینداری درونی و بیرونی در منظری تحولی ممکن است. نگاه تحولی در این‌باره با مفهوم‌سازی‌های مشابه درباره‌ی انگیزه‌ی روی آوردن به دین در متون دینی عرفانی مسلمانان نیز همخوانی دارد (واتسون و قربانی ۱۳۷۷). بنابراین، بهتر است در پژوهش‌های آینده در جامعه‌ی ما به امکان بررسی تجربی فرایند تحول دینداری درونی توجه شود.

وایلد و جوزف (۱۹۹۷) در بررسی خود درباره‌ی مقیاس بازخورد مسلمانان به دین نشان دادند این مقیاس با مؤلفه‌ی روان‌گسسته‌خوبی (رفتار تکانشی، پرخاشگرانه و ضداجتماعی) ارتباطی معکوس دارد؛ و این یافته را دال بر ارتباط مثبت این مقیاس با کنش‌وری روان‌شناختی سالم دانستند. اما یافته‌های به دست آمده در این پژوهش نشان داد ارتباطی میان بازخورد مسلمانان به دین و آسیب‌های روان‌شناختی وجود ندارد. در عین حال مقیاس بازخورد مسلمانان به دین با هر دو بعد دینداری درونی و بیرونی ارتباطی مثبت دارد. در پژوهش حاضر یافته‌های قابل توجهی وجود دارد. این یافته‌ها در چند محور قابل تبیین است: اول اینکه مواد به کار رفته در مقیاس بازخورد مسلمانان به دین نشان می‌دهد از نظر مفهومی می‌توان این مواد را به زیرمجموعه‌های متمایزی تقسیم کرد. بر این اساس شاید بتوان گفت سَر ارتباط مثبت این مقیاس با هر دو عامل دینداری درونی و بیرونی ناشی از استفاده از موادی در این مقیاس است که تمایز زیرمجموعه‌ی در خصوص آن صورت نگرفته است و عامل‌های آن نامتمايزاند. مثلاً برخی از مواد این مقیاس به ابعاد شناختی باورهای مسلمانان تأکید می‌کند (مانند من فکر می‌کنم قرآن در زندگی مدرن امروز کاربرد دارد)، و برخی نیز بر نقش کمک‌کننده‌ی دین در زندگی (مثلاً دعا به من کمک زیادی می‌کند). بر این اساس، ارتباط

مثبت مقیاس بازخورد مسلمانان به دین با هر دو نوع دینداری، ناشی از زیرمجموعه‌های به خوبی تمایز نیافته‌ی این مقیاس است. از این رو، بایستی در مطالعات آینده به تحلیل عوامل مقیاس بازخورد مسلمانان به دین توجه شود. (۱۵)

نکته‌ی دیگری که بایستی در این یافته‌ها توجه شود این است که مقیاس بازخورد مسلمانان به دین با جهت‌گیری‌های دینی مربوط است اما جهت‌گیری‌های دینی با سلامت روان‌شناختی مربوط و بازخورد مسلمانان به دین با آن بی‌ارتباط است. در تبیین این یافته باید در نظر داشت مقیاس جهت‌گیری «دینی بر انگیزه»ی روی آوردن به دین متمرکز است در حالی که مقیاس بازخورد مسلمانان به دین نسبتاً از ابعاد انگیزشی تهی است. بر این اساس به نظر می‌رسد آنچه تعیین‌کننده‌ی پیامدهای دینداری است، بیش‌تر در بعد انگیزشی نهفته‌ی آن باشد. چنین دیدگاهی با متون دینی عرفانی مسلمانان نیز همسو است. ایمان در اسلام در عمل فرد متجلی می‌شود و عمل صالح دو مؤلفه دارد: حسن فعلی و فاعلی. حسن فعلی کارهای شایسته به فرمان الهی است. هر مؤمنی ممکن است چنین رفتارهایی داشته باشد؛ اما هر کس که چنین رفتارهایی دارد مؤمن نیست. زیرا برای ایمان عمل نیکوی توأم با حسن فاعلی لازم است و حسن فاعلی به انگیزه و نیت شخص بازمی‌گردد و اهمیت بی‌ناپذیر در اسلام دارد؛ مثلاً از پیامبر (ص) نقل شده است: «خداوند به حساب‌ها و چهره‌های شما نمی‌نگرد بلکه به دل‌هایتان می‌نگرد» (خرمشاهی ۱۳۷۶)، و یا امام علی بن حسین (ع) می‌فرماید: «عمل جز به نیت هویت ندارد» (کلینی. - ج ۲، ص ۸۴).

روی‌هم‌رفته پژوهش حاضر به عنوان اولین حرکت نظام‌دار در چارچوب گستره‌ی روان‌شناسی دین در ایران، به سؤال واتسون و قربانی (۱۳۷۷) درباره‌ی امکان استفاده از روی‌آورد آلپورت در روان‌شناسی دین در جامعه‌ی مسلمانان پاسخ مثبت می‌دهد اما در عین حال ضرورت طرح مفهوم‌سازی‌ها و مقیاس‌های سازگارتر و کارآمد در جامعه‌ی مسلمانان را منتفی نمی‌سازد. همچنین تهیه‌ی نسخه‌ی فارسی دو مقیاس جهت‌گیری دینی و بازخورد مسلمانان به دین و به‌دست‌آوردن معیارهای روان‌سنجی لازم در این پژوهش زمینه‌ی لازم را برای گسترش پژوهش‌های روان‌شناسی در جامعه‌ی ما فراهم می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از مطالعه‌ی میان‌رشته‌ی (interdisciplinary approach)، نگاه به مسائل علمی از چارچوب گستره‌های مختلف و به‌کارگیری روش‌های علوم گوناگون در پژوهش و تلاش در جهت همگن‌ساختن این روش‌ها است. مطالعه‌ی میان‌رشته‌ی را نباید با آنچه به‌عنوان تعدد در روش (polymethodic) در برخی علوم مانند کلام طرح می‌شود، آمیخت. آنچه در مطالعه‌ی میان‌رشته‌ی اهمیت فراوان دارد، همگن‌سازی از طریق دیالگ‌وروی آورده‌های گوناگون است که با جمع‌بندی مکانیکی رهاورده‌های علوم گوناگون تفاوت دارد. چنین حرکتی در تاریخ علم در موارد عدیده‌ای منجر به تولد گستره‌های نوین شده است مانند زیست‌شناسی اجتماعی (social biology). ملاصدرا در تاریخ علوم اسلامی به اهمیت مطالعه‌ی میان‌رشته‌ی بیش از دیگران توجه کرد (فرامرز قراملکی، احد. مطالعه‌ی میان‌رشته‌ی و تعیین معرفتی فلسفی ملاصدرا، ص ۵۴).
۲. آن علیت روان‌شناختی که انسان خاصی را مشخص می‌سازد.
۳. درمان‌های روان‌شناختی مانند روان‌درمانی.
۴. ارجاع و تبیین یک پدیده براساس پدیده‌ی فروتر و ساده‌تر که بیش و کم به مغالطه‌ی «کنه و وجه» به اصطلاح منطق دانان مسلمان نزدیک است.
۵. مکتبی در روان‌شناسی که پس از ساختارگرایی متولد شد و به‌جای تأکید بر ساخت، بر عمل و کارکرد ارگانیسم تأکید دارد.
۶. میزان پیچیدگی تبیین‌ها درخصوص رفتار دیگران.
۷. پیش‌بینی‌پذیر و کنترل‌پذیر دانستن رویدادهای زندگی.
۸. اعتقاد به نقش خود به‌عنوان عاملی مؤثر در ایجاد اثر در رویدادهای زندگی.
۹. تعیین پراکندگی نمره‌های یک آزمون.
۱۰. تمایل به رفتاری که مورد پذیرش جمع و دیگران باشد.
۱۱. زودرنجی و تفکرات و سواس‌گونه در روابط با دیگران.
۱۲. نشانه‌های اختلال سواسی (افکار ناخوانده) و تکرار اعمال بدون تمایل به تکرار آنها.
۱۳. علایم بدنی ناشی از مشکلات روان‌شناختی.
۱۴. اعتبار یک مقیاس تعیین می‌کند آیا واقعاً سازه‌ی روان‌شناختی خاصی را اندازه می‌گیرد یا اینکه پدیده‌های ناهمسان و بی‌ارتباطی را می‌سنجد.
۱۵. بررسی آماری اینکه یک مقیاس از چه عواملی تکمیل شده است و مؤلفه‌های آن کدام است.

کتابنامه

- امام علی (ع). ۱۳۷۰. نهج‌البلاغه. ترجمه‌ی جعفر شهیدی. تهران: انقلاب اسلامی.
 جیمز، ویلیام. — دین و روان. ترجمه‌ی مهدی قائنی. تهران: امیرکبیر.
 ————. ۱۳۷۲. دین و روان. ترجمه‌ی مهدی قائنی. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین؛ انصاری، مسعود. ۱۳۷۶. پیام پیامبر. تهران: نشر جام.
- فرامرزی قراملکی، احد. ۱۳۷۶. «تحلیل فراسوی روان‌شناختی فروید از دین»، قسات، ش ۱.
- فروم، اریک. ۱۳۶۳. روان‌کاوی و دین. ترجمه‌ی آرسن نظریان، تهران: انتشارات پویش.
- قربانی، نیما. ۱۳۷۷. «روان‌شناسی دین: یک روی آورد علمی چندتباری»، قسات، ش ۹/۸.
- کلینی. - اصول کافی، ج ۲. ص ۸۴، احادیث شماره‌ی ۱ و ۲.
- مولوی، محمد. ۱۳۷۰. مثنوی معنوی. تهران: انتشارات مولی.
- واتسون، پل؛ قربانی، نیما. «۱۳۷۷ تحلیل فراسوی روان‌شناختی فروید از دین»، قسات، ش. ۹/۸
- _____ ۱۳۷۷. «روان‌شناسی دین در جامعه‌ی مسلمین»، ترجمه‌ی پونه بناکار حقیقی، قسات، ش ۹/۸.
- _____ ۱۳۷۷. «مطالعه‌ی میان‌رشته‌یی و تعیین معرفتی فلسفه‌ی ملاصدرا»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۶۵.
- هیگ، جان. ۱۳۷۶. فلسفه‌ی دین. ترجمه‌ی بهزاد سالکی. تهران انتشارات هدی.
- Allport, G. W. & Ross, M, J, Jr. 1967. "Personal Religious Orientation and Prejudice, *Journal of Personality and Social Psychology*, 5: pp. 432-433.
- Batson, C. D.; Schoenrade, P. & Ventis, W. I.. 1993. *Religion and the Individual*. New York: Oxford University Press.
- Bergin, A. E.; Maasters, K. S. & Richards, P. S. 1987. «Religiousness and Mental Health Reconsidered: A Study of an intrinsically religious sample» *Journal of Counseling Psychology*, 34: pp. 197-204.
- Dergatis, L. R., (ipman, r. s., ricke) s,k,vhleth. E. H., Cori, J. 1974. «The Hopkins Symptom Checklist(HSCL): A Self-report symptom inventory» *Behavioral Science*, 19: pp. 1-15.
- Gen: a. V. & Shaw, D. G. 1991. «Religion, Intrinsic-extrinsic Orientation, and depression». *Review Religious Research*, 32: pp. 274-283.
- Hood, R. W., Jr; Spilka, B.; Hunsberger, B. & Gorsush, R. 1996. *The Psychology of Religion: The empirical approach* (2nd Ed). New York: Guilford Press.
- Jackson, L. E. & Coursey, R. D. 1988. «The relationship of God Control and internal locus of control to intrinsic religious motivation, coping, and purpose in life», *Journal for the Scientific Study of Religion*, 27: pp. 399-410.
- Kahoe, R. D. 1974. «Personality and achievement correlates of intrinsic and religious orientations». *Journal of Personality and Social Psychology*, 29. pp. 812-818.
- Kojeten, B. A.; McIntosh, D. N.; Bridges, R. A. & Spilka, B. 1987. «Quest:Constructive Search or Religious Conflict?», *Journal for the Scientific Study of Religion*, 26: pp. 111-115.
- Mill, J. S. 1873. *Three Essays on Religion*. London: Longman.
- Watson, P. J.; Morris, R. J.; Hood, R.W. 1989. intrinsichess, Religious Self-love and Narcissism, *Journal of Psycholoty and Christianity*, 8.1: pp. 31-37.

- Watson, P. J.; Morris, R. J.; Hood, R. W.; Biderman, D. 1990. «Religious Orientation: Types and Narcissism», *Journal of Psychology and Christianity*, 9. 1: pp. 40-46.
- Watson, p. J.; Morris, R. J.; Hood, R. W. 1984. «Religious Orientation, Humanistic Values, and Narcissism», *Review of Religious Research*, 25. 3: pp. 257-264.
- Thorson, J. A.; Powell, F. C.; Abdel-Khaled, A. M. & Beshai, J. A. 1997. «Constructions of religiosity and death anxiety in two cultures: The United States and Kuwait», *Journal of Psychology and Theology*, 25: pp. 374-383.
- Watson, P. J.; Milliron, J. T. Morris, R. J. & Hood, R. W., Jr. 1994. «Religion and rationality: Comparative analysis of rational-emotive and interinsically religious rationalities», *Journal of Psychology and Christianity*, 13: pp. 373-384.
- Watson, P. J.; Morris, R. J., & Hood, R.W., Jr. 1988 b. «Sin and Self-functioning, Part 2: Grace, guilt, and psychological adjustment. *Journal of Psychology and Theology*, 16: pp. 370-381.
- Watson, P. J., Morris, R. J. & Hood, R. W., Jr. 1990. «Attributional complexity, religious orientation, and indiscriminate proreligiousness», *Review of Religious Research*, 32: pp. 110-121.
- Watson, P. J.; Morris, R. J. & Hood, R. W., Jr., Miller, L. & Waddell, M. G. (In press). «Religion and the experimental system: Relationships of constructive thinking with religious orientation», *International Journal for the Psychology of Religion*.
- Watson, P. J. 1993. «Apologetics and ethnocentrism: Psychology and religion within an ideological surround international». *Journal for the Psychology of Religion*, 3: pp. 1-20.
- Wilde, A and Joseph, S. 1997. Religiosity, Personality in a Muslim Context. in: *Personality and Individual Differences* No 23. pp 889-890.